



تبیین مدیریتی تنبیه ستمگران از منظر قرآن کریم*

علی آقا صفری* و عبدالمؤمن حکیمی*

چکیده

یکی از چالش برانگیزترین موضوعات هدایتی و مدیریتی در قرآن مسئله چگونگی مجازات و عقوبت ستمگران است. یکی از سنت‌های الهی انتقام مظلوم از ظالم است. با این وجود مشاهده می‌شود که از آغاز خلقت تاکنون ظالمان دامنه ستم خویش را وسعت بخشیده و بر جان و مال و عرض دیگران تجاوز می‌کنند و گذشت قرون متمادی بخصوص جهان معاصر نشان می‌دهد که هزاران انسان بی‌گناه در کشورهای مختلف از ظلم ستمگران تباه شده‌اند. اهمیت و کاربردی بودن مسئله موجب شد که پژوهشگران با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و حیانی قرآن و اقوال مفسران، موضوع را از منظر دیدگاه مدیریتی قرآن کریم تبیین کرده و کاربست آن نشان دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از منظر آموزه‌های قرآن کریم مهلت دادن به ظالمان و ستمگران، یک سنت الهی است و علت به تأخیر انداختن آن، عدم ظرفیت و قابلیت مجازات متناسب با جرم و جنایتشان در این جهان بوده و لذا مجازات کامل آنان به جهان آخرت موکول شده است، هر چند خداوند همواره در کمین ستمگران است و هر وقت حکمتش اقتضاء کند در همین جهان نیز آن‌ها را به خاک ذلت نشانده و به بدترین شکل ممکن مجازات می‌نماید.

واژگان کلیدی: قرآن، مدیریت، ظلم، ستمگران، مستکبران، استبداد.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

*. استادیار قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، (نویسنده مسئول):

a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com

*. استادیار قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

mohammadiya۲۰۲۰@gmail.com



مقدمه

قرآن کریم سرچشمه حکمت و معرفت، حقایق پیدا و پنهان نظام خلقت را به نحو احسن تبیین و تشریح نموده است. از این رو لازم است بشر برای چگونگی استفاده از سرمایه‌های مادی و معنوی به آن مراجعه نماید؛ تا بتواند در برابر تهدیدات و آسیب‌های جدی محیطی از جمله مسئله مقابله با دشمن متخاصم، تصمیمات معقول و مطلوب اتخاذ نماید و از این رهگذر از گزند دشمن قسم خورده انسی و جنی در امان باشد.

یکی از برجسته‌ترین تهدیدات اسلام و به تبع مسلمانان، مسئله بی‌توجهی و یا کم‌توجهی در برابر یاغی‌گری و ستمگری متجاوزان و مستکبران عالم است. اینکه مسلمانان در برابر اقدامات و عملکردهای دشمن چه کارهای را باید انجام دهند؛ تا بتوانند دشمن متجاهر و متجاوز و سرکش را رام و یا سرکوب و یا تسلیم کنند به تفصیل در بسیاری از آیات تبیین شده است که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست. آنچه که در این سطور مورد پردازش قرار می‌گیرد مسئله اعتقاد و باور و اتکال به خداوند متعال در صحنه نبرد با دشمن بوده و اینکه ستمگران و ظالمان به عنوان بدترین دشمنان اسلام همیشه در تیرس خداوند متعال قرار داشته و در زمان و مکان مناسب و فراهم شدن شرایط و اقتضانات قلع و قمع خواهند شد.

خداوند متعال خطاب به مسلمانان می‌فرماید: شما باید معتقد و باورمند باشید که نظام خلقت مدبر و کارگردان دارد و هستی بر اساس حق و حقیقت بنا نهاده شده و اداره او هم بر پایه حق است «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...» و همچنین در ک ک کنید که سنت الهی به این است که باطل هیچ جایگاهی نداشته و حتماً رفتنی است «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱).

غرض آنکه مجاهدین باید در سنگر جهاد به این اصل اساسی معتقد و پایبند باشند و این را بدانند که برابر سنت الهی، اضمحلال و فروپاشی ستمگران قطعی و حتمی است.



در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تقابل دو گانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر معرفی شده است. چه آنکه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرماید: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دو گانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

معظم له در فراز دیگر از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان اشاره کرده و می‌فرماید: «نماد پُر اَبَهِت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش



انقلاب توانست نخست دست‌نشاندهی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند» در این نوشتار نگارندگان با الهام از فرازهای یاد شده، موضوع مقاله را با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و حیانی قرآن و اقوال مفسران، از منظر دیدگاه مدیریتی قرآن کریم تبیین کرده و کاربرست آن را از منظر دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نشان می‌دهند.

روش تحقیق

روش منتخب ترکیبی است؛ بدین معنا که از حیث داده کیفی؛ از جهت هدف اکتشافی و برحسب برآیند بنیادی است. با عنایت بر مبنای بنیادی و منبع پایه‌ای، مشخص شد که پژوهش از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در زمره‌ی تحقیقات اکتشافی قرار دارد؛ زیرا درصدد کشف تبیین مدیریتی تنبیه ستمگران از منظر کلام با تأکید بر بیانیه گام دوم است و برحسب ماهیت مبتنی بر نظریه‌پردازی با روش ترکیبی و کاربرست شیوه‌ی استنتاجی است.

مفهوم‌شناسی

۱- ظلم

واژه‌ی «ظلم» از منظر اهل لغت به مفهوم وضع شیء در غیر موضع خود، ستم، ستم کردن و بیداد آمده است. (سیاح، ۱۳۳۰: ۳ و ۵۵/۴) ابن فارس گفته است: ظا و لام و میم دارای دو معنی اصولی است: ۱. تاریکی و سیاهی ۲. چیزی را از ستم در غیر موضوع خود نهادن. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۶۸/۳)

همان‌طور که شخص در تاریکی چیزی را نمی‌بیند در حال ستم کردن هم مثل این که در تاریکی فرو رفته نمی‌تواند درک حقیقت کند و به‌طور کلی می‌توان گفت ظلم به معنای ستم و گذاشتن چیزی در غیر محل آن است. (رامپوری، ۱۳۶۳: ۵۶۹)، اما آنچه در اصطلاح و



عرف مردم از ظلم ذکر می شود بیشتر مصادیق آن می باشد که ظلم به معنای اخص است که به آن ها اشاره خواهد شد.

۲- استبداد

کلمه «استبداد» از ریشه «ب د د» و به معنای «انفراد در هر امری و اختصاص دادن آن به خود، بدون مشارکت دیگران است». (طریحی، ۱۴۱۶: ۱/۱۶۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱/۳۳۹) در اصطلاح سیاسی به سلطه فرد یا گروهی در یک نظام و حکومت و تصرف در حقوق مردم، بدون لحاظ قانون و نظر زبردستان (آقابخشی، علی اکبر، افشاری راد، مینو، ۱۳۸۷: ۲) و بدون ترس از بازخواست (همان، ص ۱۱۲) گفته می شود.

۳- مدیریت

مدیریت^۱ فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت، و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می گیرد (رضائیان، ۱۳۹۲: ۸)

راهکارهای مدیریتی تنبیه ستمگران

در بسیاری از آیات کلام وحی به این حقیقت اشاره شده است که پروردگار عالم نسبت به عملکرد ستمگران نه تنها غافل نیست، بلکه در کمین آن ها نشسته و تمام حرکات و سکنات آنان را به دقت می شنود و می بیند و در زمان مناسب وارد عمل می شود؛ لذا اگر مشاهده می شود که باوجود تخطی و ستمگری به آنان فرصت داده می شود بخاطر وجود مسائلی است



که خداوند بر اساس شیوه‌ی مدیریتی خود با راهکار متناسب به آن عمل می‌کند که در نوشتار به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- سنت مهلت دادن به ستمگران

خداوند در مورد تعامل با مردم به شیوه‌ها و سنتهای مختلف برخورد میکند، یکی از سنتها این است که به کفار و افرادی که گناه زیادی می‌کنند مهلت می‌دهد و نعمت فراوان می‌دهد تا آن‌ها یاد خدا را فراموش نکنند و با گناه بیشتر در قیامت عذاب بیشتری شوند.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که شخصی از امام معنای «سَدَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف/۱۸۲) پرسید. امام در جواب فرمود: این در باره بنده‌ای است که گناه می‌کند و در اثر آن نعمتهای تازه‌ای به او رو می‌آورد، و این نعمتها او را از استغفار از گناهش باز می‌دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۵۲/۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «زمانی که بنده‌ای هرچه درخواست انجام دهد و خداوند نیز به او عطا کند، در حالی که آن بنده بر انجام گناه پایبند است؛ این استدراج برای آن بنده است» (همان، ۹۷/۲)

فلسفه مهلت دادن به کفار و گنهکاران سرکش؛ ازدیاد در گناه و عذاب الهی است. خداوند می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلُ لَهُمْ خَيْرًا لَأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلُ لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»؛ (آل عمران/۱۷۸) و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند این که به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه خود بیفزایند و آنگاه عذابی خفت‌آور خواهند داشت. یعنی خداوند به کفار مهلت می‌دهد و این مهلت در حقیقت یک بستر آزمایشی است که آن‌ها خود را در آن محک بزنند. اما آن‌ها به سوء اختیار خود راه گمراهی را بر می‌گزینند و فریب امهال الهی را می‌خورند و غرق در گناه



می شوند. به بیان دیگر این ازدیاد گناه، نتیجه و عاقبت غفلت آن‌ها از هشدارهای خداوند است.

یکی از آیات که به طور شفاف و روشن به مسئله در کمین بودن الهی اشاره دارد آیه شریفه: «وَكَايِنٌ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ»؛ (حج/۴۸) و چه بسیار شهرها و آبادی‌هایی که به آن‌ها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (اما از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند). سپس آن‌ها را مجازات کردم؛ و بازگشت، تنها به سوی من است! است.

از نص صریح آیه شریفه دو مطلب قابل استفاده است. ۱- مهلت دادن و اعطای فرصت به همگان حتی ظالمان به‌عنوان یک سنت دائمی و همیشگی الهی در جهان ۲- ظالمان و ستمگران رها شده نیستند بلکه تحت تعقیب بوده و در زمان مناسب گرفتار خواهند شد و این وعده قطعی و تخلف‌ناپذیر سنت الهی در جهان است.

بنابراین اگر به ستمگران باوجود اینکه وعده تهدید و هراس و عذاب الهی را به تمسخر می‌گیرند، مهلت و فرصت می‌دهد، این فرصت‌ها تا مدت زمانی و وقت معینی عذاب را به تأخیر می‌اندازد؛ اما در نهایت به عذاب دردناک و رنج‌آور گرفتار خواهند شد (ر.ک: قطب، ۱۴۲۵: ۶۸۶/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۳/۹). در نتیجه تأخیر در عذاب مستلزم ابطال آن نیست (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱۱/۱۷)؛ اما آن‌ها فریب این تأخیر را خوردند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۰/۱۴) البته ظرف تحقق مجازات و عذاب هم این‌گونه نیست که مربوط به جهان آخرت باشد بلکه در همین دنیا نیز ممکن است مورد عذاب الهی واقع شوند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۰/۱۷).

همچنانکه قانون و سنت یزدان درباره تکذیب کنندگان تاکنون این چنین بوده است؛ اما بسیاری از مفسران به خاطر نوع بیدادگری ستمگران، گفته‌اند که دنیا ظرفیت کیفر کامل ستمگران را آن‌گونه که مستحق هستند ندارد در نتیجه انتقام شدید الهی از آنان فردای قیامت



روزی که هیچ پول و فرزندی به غیر از خدا کارای ندارد، گرفته خواهد شد. (ر.ک: مراغی، بی تا: ۱۲۶/۱۷).

آنچه که از قرآن و اقوال یاد شده بدست می آید این است که خداوند متعال به ستمگران مهلت و فرصت می دهد؛ لکن همانطور که پیشینیان را به خاطر ظلم و بیدادگری نابود ساخت اشخاصی که در حال و آینده ظلم و ستم می کنند را نیز به هلاکت می رساند. از این رو برخوردارای ظالمان از ثروت و مکت و رفاه و آسایش و دیگر نعمات دنیوی به هیچ عنوان دلیل بر سعادت و خوشبختی آنان نبوده و خدای متعال نسبت به رفتار آنان آگاه است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۸۱۳).

لازم به ذکر است که مسئله مهلت دادن و اعطای فرصت به عنوان یک قانون و سنت همیشگی الهی در آیات دیگر کلام وحی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله در سوره اعراف و سوره قلم می فرماید: «وَأُمِّلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (اعراف/۱۸۳) و به آن‌ها مهلت می‌دهم (تا مجازاتشان دردناک تر باشد)؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی (و حساب شده) است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست) براساس این آیه شریفه فهمیده می شود که کسانی که آیات الهی را تکذیب می کنند، خداوند کم کم و به گونه ای که نمی دانند، به آن‌ها مهلت می دهد تا گرفتارشان کند، زیرا کید خدا متین و به گونه ای دقیق است که کافران آن را نمی بینند و نمی فهمند و از نظر استحکام و صلابت نیز سخت استوار است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶/۴۰۱).

بنابراین این سنت و پیشه خدا با تکذیب کنندگان است که افسار ایشان را شل نماید و برای عصیان و طغیان بدیشان مهلت و فرصت دهد؛ تا پله پله و گام به گام در راه هلاک به پیش روند و سرانجام گرفتار دام چاره جوئی خدا شوند (حوی، ۱۴۲۴: ۴/۲۰۷؛ قطب، ۱۴۲۵: ۱۴۰۴/۳).



اما در عین حال این تذکر و هشدار جدی را به ستمگران ذکر می کند که گمان نکنند این فرصت ها و مهلت پاداشی از جانب الهی به آنان است بلکه: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُؤْتِيهِمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُؤْتِيهِمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ (آل عمران/۱۷۸) آن ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آن ها، عذاب خوارکننده ای (آماده شده) است!

بنابراین خداوند برابر سنت جاریه اش به همگان مهلت می دهد؛ لکن مهلت برای ستمگران چه بسا نوعی از عذاب شدید باشد که بیشتر گرفتار گردند از این رو مفسران در تفسیر این آیه شریفه تصریح کرده اند که «خداوند ضمن اینکه مهلت می دهد، زمینه های هلاک را به تدریج و مرحله به مرحله فراهم می کند اما فرد ظالم و یا جامعه ظالم متوجه نیست و نمی داند که پایه های قدرت او در حال فرو ریختن است او همچنان مست و سرخوش و مغرور، به طغیانگری و فتنه انگیزی خود ادامه می دهد و هنگامی به خود می آید که همه چیز از هم پاشیده و فرو ریخته است» (جعفری، ۱۳۷۹: ۳۱۱/۲). بنابراین براساس این آیه شریفه می توان اذعان نمود که کفر مانع شناخت حقیقت است و کوتاه و یا بلند بودن عمر و زمان رفاه، بدست خدا است و سایرین هیچ نقشی ندارند در نتیجه مهلت ها الهی، نشانه ی محبوبیت نیستند و رفاه و حاکمیت ستمگران، نشانه خشنودی خداوند از آنان نیست (قرآنی، ۱۳۸۸: ۶۵۹/۱).

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با اشاره به شکست های رژیم صهیونیستی به موضوع روند زوال این رژیم اشاره کردند و فرمودند «پیروزی مردم فلسطین در سال های اخیر، به معنای توانایی تشکیل حکومت در تل آویو نبوده است که البته این موضوع نیز به فضل پروردگار محقق خواهد شد، بلکه پیروزی اصلی این بوده است که رژیم صهیونیستی که ارتش های عربی نتوانستند آن را شکست دهند، به وسیله مردم فلسطین و



گروه‌های مقاومت به‌زانو در آمد و به اذن الهی پیروزی‌های بزرگ‌تری نیز خواهید داشت»
(بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۷/۱۰/۱۰).

وعده نابودی رژیم صهیونیستی تا ۲۵ سال آینده، توسط معظم له در دیدار اقشار مختلف مردم مورخ ۱۳۹۴/۶/۱۸ مطرح شده است: «إن شاء الله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت» این وعده البته پیش از این هم توسط رهبر انقلاب به صراحت بیان شده بود: «صهیونیسم و دولت غاصب و معجول صهیونیستی در فلسطین، محکوم به فناست» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۴/۲۱، ۱۳۷۷) اما آنچه وعده‌ی سال ۱۳۹۴ را برجسته نموده است، تعیین سقف زمانی برای نابودی این رژیم است.

تحلیل مدیریتی این مسئله آن است که عقوبت ظالمان به دست مؤمنان شایسته، یک سنت الهی است که خداوند بر اساس سنت امهال، استدراج و یا املاء خود در آینده آن را محقق می‌سازد. زیرا دسته‌ای از آیات قرآن نشان می‌دهند که سنت هلاکت و عذاب ستمگران بعد از ظهور پیامبر اسلام (ص)، بر شکل خاصی متمرکز شده است. در اقوام پیشین و مطابق آیات متعدد قرآن، عذاب‌ها عموماً بگونه‌ای بی‌واسطه و آسمانی محقق می‌شدند، اما به استناد آیات قرآن از جمله آیه ۵۲ سوره براءت که می‌فرماید: «قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ»؛ بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار می‌برید؟ در صورتی که ما درباره شما انتظار می‌بریم که خدا از سوی خود یا به دست ما عذابی به شما برساند پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم.» روشن می‌شود که «عذاب، همیشه آسمانی و بی‌واسطه نیست، بلکه گاهی خداوند به وسیله‌ی مؤمنان شایسته، عذابی را بر سر دشمنان نازل می‌کند.» (تفسیر سوره براءت، آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۳۵۳).



بر اساس آیه ۱۴ سوره براءت که خطاب به مسلمانان عصر پیامبر اسلام (ص) نازل شده، عذاب دشمنان اسلام مشروط به مجاهدت مؤمنان شده است: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَجْزِهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ» با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه‌های [پر سوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد. این آیه به روشنی به این قاعده مهم رهنمود می‌کند که اگر مؤمنان وارد میدان مبارزه با کافران و ستمگران نگردند، محال است خداوند آن‌ها را عذاب کند و مؤمنان را بر ظالمان پیروز گرداند. (همان، ص ۱۴۲) بنابراین در هر عصری اگر مؤمنان شایسته‌ای دست به دست هم بدهند و در میدان مبارزه با دشمن حاضر شوند، بدون تردید جبهه مقابل دچار اضمحلال قطعی خواهد شد و عذاب الهی بر ستمگران محقق می‌شود.

۲- تسلی مظلومان و تهدید ستمگران

قرآن کریم در راستای جهل زدایی، و آگاهی بخشیدن به مردم، اندیشه باطل اشخاصی که گمان می‌کنند خدا از رفتار و عملکرد ظالمان غافل است را به چالش کشیده و به صراحت در پاسخ سؤالی که می‌گویند چرا خدایی عادل و دادگر، ظالمان را به حال خود رها کرده است؟ می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ» (ابراهیم/۴۲)؛ گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آن‌ها را برای روزی تأخیر انداخته است که چشم‌ها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستند.

بر اساس این آیه شریفه خداوند متعال با انذار و تهدید ضمنی این مطلب را تأکید نموده است که سرانجام انتقام مظلوم را از ظالم می‌گیرد؛ زیرا عدم انتقام یا به خاطر غفلت از ستمگر است یا ناتوان از انتقام و یا راضی به عملکرد آن و حال آنکه پروردگار از غفلت، درماندگی و رضایت به ظلم ستمگران میرا است در نتیجه محال است که خداوند متعال انتقام مظلوم را از



ظالم نگیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷/۳۹۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹/۱۰۷) چون او دانای به مکر و عزیزی صاحب انتقام است، بنابراین اگر آنان را به خشم خود نمی‌گیرد برای این است که می‌خواهد عذابشان را برای روز سختی تأخیر بیندازد هر چند که در همین دنیا نیز آن‌ها را عذاب خواهد کرد، همچنان که امت‌های گذشته را هلاک نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۱/۱۲).

در حقیقت این بیان نورانی کلام وحی، پرده از مدت زمان تعیین شده برای هلاکت و نابودی ستمگران بر می‌دارد و تصریح می‌کند که صحنه عذاب و عقاب آنان بسی سخت و دشوار است. صحنه‌ای که آنان شتابان می‌دوند و به پشت سر خود نگاه نمی‌کنند و به چیزی نمی‌نگرند. سرهای خود را بالا انداخته، نه از روی اراده چنین کنند، بلکه سرهایشان می‌خکوب گردیده است و شق و رق مانده است و نمی‌توانند کمترین حرکتی بدان‌ها بدهند.

چشمانشان هول و هراسی را می‌بیند که بر سر راه ایشان است از ترس و خوف آنچه می‌بینند چشم‌هایشان باز می‌ماند و برهم نهاده نمی‌شود. دل‌هایشان از جزع و فزع فرو می‌تپد و عقل و شعوری برایشان نمی‌ماند. دل‌هایشان نه چیزی در خود جای می‌دهد، و نه چیزی را حفظ و نگاهداری می‌کند، و نه چیزی را به یاد می‌آورد... (قطب، ۱۴۲۵: ۴/۲۱۱۱) چنان صحنه وحشت آور است که چشم‌هایشان از شدت هول و ترس آنچه که می‌بینند از حدقه بیرون می‌زند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۵۶۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۴۴۲)، یعنی از فرط حیرت و ترس، چشمانشان بسته نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۴۹۳).

برابر گزارش وحیانی آیه و تفسیر مفسران می‌توان نتیجه گرفت که خداوند متعال از عملکرد ستمکارانی که غرق در عیش و هوسرانی و سرگرم فساد انگیزدن در زمین هستند غافل نیست؛ بلکه ایشان را مهلت داده است؛ لکن همه ستمگران عالم این را بدانند که عذاب



سخت و وحشتناک در انتظارشان بوده و هیچ راه گریزی ندارند و حتماً نتیجه ستمگری خویش را می بینند.

ممکن است پرسیده شود چرا برخی تا آخرین لحظه مرگ با وجود ظلم‌های بی حد و حصر بازهم در کمال رفاه و آسایش و بدون هیچ رنج و عذابی زندگی می کنند. در پاسخ به این پرسش می توان گفت اولاً بر پایه مطالب یاد شده نفس مهلت دادن موجب غرق شدن بیشتر آنان در عذاب الهی است و ثانیاً خیلی‌ها در همین دنیا و جمع کثیری در جهان دیگر به تناسب ظلم و ستمی که انجام داده‌اند مجازات خواهند شد لذا عذاب الهی قطعی و حتمی است.

در فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، گزاره‌هایی برای تأیید این راهکار مدیریتی وجود دارد. اسرائیل به عنوان یک مصداق اتم ستمگر در عصر حاضر بارها مورد تهدید و عتاب مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) قرار گرفته است. از جمله معظم له خطاب به سردمداران رژیم غاصب و ستمگر اسرائیل می فرماید: «اگر غلطی از سردمداران رژیم صهیونیستی سر بزند، جمهوری اسلامی «تل آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد.» (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱) یا در جای دیگر می فرماید: «نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسئله‌ای است که با مصالح ملت‌های این منطقه سرو کار دارد. کسانی که از روز اول انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضة بانفوذ و اقتدار صهیونیست‌ها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۹/۲۵).

همچنین می فرماید: «اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان زور، چیز دیگری نمی فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم، نمی شود حرف زد.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین،



۱۳۷۰/۷/۲۷) و نیز فرمود: «موضع ما در مقابل اسرائیل، همان موضع همیشگی است. اسرائیل در منطقه، یک غده‌ی بدخیم سرطانی است که باید قطع شود و ریشه کن گردد.» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان ارتش، ۱۳۷۰/۵/۹)

۳- خداوند در کمین گاه ستمگران

خداوند متعال در سوره فجر بعد از سوگند به فجر، شب‌های ده گانه، شفع، وتر و گذشت شب و دعوت به تأمل درباره سرگذشت قوم عاد و ثمود و فرعون، به همه کسانی که در مسیر آن اقوام طغیانگر حرکت می‌کنند می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» (فجر/۱۴) به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! این آیه شریفه یک هشدار جدی و جهانی به همه ستمگران عالم می‌دهد که گمان نکنند می‌توانند از قلمرو حکومت الهی خارج و یا از چنگال عذاب او بگریزند بلکه باید این را بدانند همه در قبضه قدرت او و تحت نظارت لحظه به لحظه او بوده و تمام اعمالشان ثبت و ضبط می‌گردد.

بر این اساس باید گفت که هیچ‌گاه انسان گنهکار نباید بپندارد که می‌تواند بر قضا و قدر الهی فائق آید و از آن جلو بیفتد؛ یا گمان کند که گناهِش از خدا پنهان می‌ماند، زیرا گذشته و حال و آینده نزد خداوند یکسان است و او سهو و نسیانی ندارد، چنان‌که همگی تحت تدبیر مطلق او قرار دارند و چیزی از قلمرو قدرت او خارج نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶/۴۰۶).

واژه «مرصاد» بر وزن مفعال از ماده «رصد» به معنای مکانی است که در آنجا به کمین می‌نشینند و منتظر رسیدن شکار و یا دشمن می‌باشند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۳۰) اینکه آیه شریفه می‌فرماید خداوند متعال در کمین نشسته است در واقع تمثیلی است از علم و آگاهی الهی نسبت به اعمال و حرکات بندگانش همانطور که شخصی که در کمین نشسته و مراقب حرکات و سکنات دشمن خویش است. و این در حقیقت کنایه از مجازات همه جباران و طغیانگران و



مجرمان است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۱/۲۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۰/۱۵) که در صورت یاغی گری و طاغی گری و گسترش فساد در زمین به شدیدترین وجه عذاب می‌شوند. تعبیر لطیفی که در این آیه شریفه بعد از فرود آمدن تازیانه عذاب به کار رفته است بیانگر گزش و نیش عذاب است، گزش و نیشی که ذکر تازیانه آن را به یاد می‌آورد. هنگامی هم از ریختن و باراندن سخن می‌رود انسان به یاد فیض و لطف و خیر و برکت خدا داد می‌افتد. آنجا درد گزنده، و گرداب و ورطه طاغی و سرکش گرد می‌آید و دامن گیر طاغیان و سرکشانی می‌گردد که در شهرها و کشورها عصیان ورزیده‌اند، و در آن‌ها فساد و تباهی را زیاد انجام داده‌اند و فراوان و پخش نموده‌اند. از فراسوی همه نقش زمین شدن‌ها و نابود گردیدن‌ها آرامش به دل مؤمن ریزان می‌گردد، دل مؤمنی که در هر زمانی و در هر مکانی با طغیان و سرکشی طاغیان و سرکشان رویاروی می‌شود آرامش ویژه‌ای فرو می‌ریزد و فرو می‌بارد (قطب، ۱۴۲۵: ۳۹۰۴/۶).

مستفاد از کلام وحی و تفسیر یاد شده این است که پروردگار مترصد و مراقب ستمگران بوده و آنان هرگز نمی‌توانند از تحت سیطره او بگریزند و یا در روند چون مالکیت (و حاکمیت) آسمانها و زمین از آن اوست. (حدید/۱۰) و او همه چیز را می‌بیند و می‌شنود (توبه/۱۰۵؛ علق/۱۴) و در زمان مناسب صیدشان می‌کند. بنابراین بر پایه گزاره‌های وحیانی قرآن کریم می‌توان گفت سنت الهی مبنی بر مجازات اقوام سرکش و ظالم و ستمگر همیشه جاری است و مؤمنان باید بدانند که دشمنان لجوج کینه‌توز آنان هرگز نمی‌توانند از چنگال قدرت خدا فرار کنند و همانگونه که ستمگران پیشین که به مراتب از آنان قدرتمندتر و نیرومندتر بودند در مقابل یک تندباد، یک طوفان، و یا یک جرقه و صیحه آسمانی تاب مقاومت نیاوردند اینها نیز نمی‌توانند با این اعمال خلافشان از عذاب الهی در امان باشند و نجات پیدا کنند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۵۸/۲۶) و باوجود پیشرفت‌های متعددی که



داشته‌اند باز در برابر قدرت بی‌کران الهی هیچ است همچنان که امروز در مسئله ویروس منحوس کرونا برای همگان روشن شد که بشر به معنای واقعی کلمه نیازمند به غنی مطلق است (فاطر/۱۵)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با استناد به آیه مبارکه «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ»؛ (فجر/۱۴) به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! به یکی از راهکارهای نابودی صهیونیست‌های آمریکا توسط مردم آمریکا اشاره کرده و می‌فرماید: شما امروز در سطح دنیا نگاه کنید: یک تروریست نام و نشان‌دار که سوابق او روشن است و رفتار غاصبانه و ظالمانه او، حرکت او علیه یک ملت، تلاش او بر ضد انسانیت و سرکوبگری‌های او بر هیچ کس از این کسانی که در فلسطین اشغالی در این چند روز جمع شدند، اشک تماشای ریختند و برای از دست دادن یک همکار بسیار ستمگر و وفادار به آرمان‌های استکبار عزا گرفتند، پوشیده نیست، می‌میرد و در حالی که همه اینها او را می‌شناسند و می‌دانند که در چه راهی حرکت می‌کرده، برایش عزاداری می‌کنند!

وای بر ملت‌هایی که رهبرانشان چنین کسانی هستند! دل انسان بر حال ملتی مثل ملت آمریکا که از چنین رهبران حقیر و ضعیف و فاقد ارزش‌های انسانی برخوردار است، می‌سوزد. حالا از «شاه حسین» و امثال او که نوکر صفتی‌شان در طول سالهای طولانی، مشهود همه است، نمی‌خواهم یادی بکنم و اسمی بیاورم. این، صحنه دنیاست. اینها آن دست‌هایی هستند که حرکت‌های جهانی را به سمت هدف‌های مشخصی شکل می‌دهند. این است ردّ پنجه خونین ننگین صهیونیسم بر صحنه سیاست دنیا که مظهرش هم امریکاست.

البته بدانید که این‌گونه نخواهد ماند. اگر در آینده انقلابی در کشور ایالات متحده آمریکا فرض و تصور شود، شروع این انقلاب این‌گونه خواهد بود که مردم آمریکا می‌ریزند و



صهیونیست‌های امریکا را - که امروز بر سراسر وجود آن کشور مسلطند - تگه تگه می‌کنند.

«إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ»؛ (بیانات در دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۷/۸/۱۳۷۴)

همچنین معظم له با اشاره به غلبه مکر الهی بر مکر دشمنان در نزاع شیعه و سنی چنین می‌فرماید: لازم است اشاره‌ای بکنم به یک حادثه‌ی تلخی که این روزها اتفاق افتاد؛ که هم خود حادثه تلخ بود، هم حاکی از دست‌های پشت پرده‌ی زیادی بود؛ و آن، حادثه‌ی تخریب قبر صحابی جلیل‌القدر، حجر بن عدی (رضوان الله تعالی علیه و سلام الله علیه) و اهانت به پیکر این بزرگوار بود. از جهاتی این قضیه تلخ است: خود اهانت به یک صحابی که از بزرگان اصحاب پیغمبر است و از حواریین امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) است و شهید در راه خدا است، قبر او را بعد از هزار و چهار صد سال بشکافتند، جسد مطهر او را بیرون بیاورند و مورد اهانت قرار دهند، یک حادثه‌ی بسیار تلخ و غم‌انگیزی است. در کنار این، تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه‌ی مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. اینها همان کسانی هستند که گذشتگان‌شان قبور ائمه (علیهم السلام) را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره‌ی هند گرفته تا آفریقا، علیه اینها قیام کردند، اگر اینها جرأت می‌بردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران می‌کردند، با خاک یکسان می‌کردند... این را بدانید: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ»؛ خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَأَكِيدُ كَيْدًا» (فجر/۱۴)؛ آن‌ها مکر می‌ورزند، اما مکر الهی بر مکر آن‌ها قطعاً غالب خواهد شد و این جریانی را که می‌خواهد در راه اتحاد امت اسلامی و پیشرفت امت اسلامی سنگ‌اندازی کند، متوقف خواهد کرد. (بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۶/۲/۱۳۹۲).



۴- چرایی تأخیر مجازات ستمگران

خداوند متعال در آیاتی از کلام وحی از جمله سوره اعراف «كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ»؛ (اعراف/۴۱)، سوره یونس «كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ»؛ (یونس/۱۳) و سوره هود «إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ»؛ (هود/۱۰۲)، و سوره نحل «وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ»؛ (نحل/۶۱) عقوبت و مجازات ستمگران و بی دادگران را سنت تغییر ناپذیر خود دانسته و در آیه ۳۱ سوره انسان «وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» مجازات ستمگران را امری قطعی دانسته و در آیه ۳۱ سوره یاد شده تأکید می کند که چرایی این کیفر ریشه در علم و حکمت الهی داشته و نتیجه و تبعات و پیامدهای عملکرد منفی خود آنان است.

با وجود عقوبت حتمی ستمگران در قیامت، پرسشی که مطرح می شود این است که چرا ستمگران در جهان هستی به گونه ای کیفر نمی بیند که بساط خودشان برچیده گردد و هم اسباب آرامش و آسایش دیگران فراهم گردد؟

قرآن کریم به این پرسش پاسخ های متعددی داده است که به اجمال به برخی از آنها اشاره می گردد. در سوره نحل می فرماید «وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنَّ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ (نحل/۶۱) و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نمی گذارد؛ ولی آن ها را تا زمان معینی به تأخیر می اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه ساعتی پیشی می گیرند.

برابر این آیه شریفه دو نکته اساسی قابل فهم است. یک سنت الهی بر این اصل بنا نهاده شده است که به انسان ها اعم از مؤمن و کافر، ظالم و مظلوم فرصت عطا نماید؛ تا بتوانند از حیات دنیوی بهره مند شوند و اگر به مجرد ظلم مواخذه کند دیگر هیچ جنبنده ای در روی زمین باقی نمی ماند (صدر/ ۱۳۸۱: ۶۵). دو جهان هستی بر اساس سنت ها و قوانین الهی اداره می شود در



نتیجه هر چیزی دارای قدر، اندازه و زمان معلوم بوده و به محض رسیدن زمان تحقق آن قطعی است.

در سوره ابراهیم می فرماید «إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ»؛ (ابراهیم/ ۴۲) (۴۲) تأخیر کیفر و عقوبت جباران و ستمگران از جانب خداوند تا روز قیامت را به هدف تشدید مجازات آنان بیان می کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳/۱۵۶).

به نظر می رسد دلیل اصلی این تأخیر به خاطر آن است که دنیا ظرفیت و قابلیت مجازات متناسب با جنایتشان را ندارد چون چگونه امکان پذیر است انسانی که در رأس هرم یک سازمان و یا یک کشور قرار داشته و تصمیمات و فرامین و دستوراتش ممکن است زندگی هزاران و یا میلیون ها انسان را بگیرد، را بخواهند در این دنیا برابر جنایت اش مجازات کنند نهایت کاری که می توان تصور کرد اعدام و یا زندانی مادام العمر است که در هر دو صورت هیچ تناسبی با جرمی که مرتکب شده است ندارد؛ از این رو عقوبت نهایی و مناسب که کلام وحی از آن تعبیر به «جَزَاءٌ وَفَاءٌ» (نبأ/ ۲۶) تعبیر نموده است به عالم پس از مرگ که روزی حساب و جزا است محول شده است. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۱۱).

اگر هر عمل ظالمانه ای، بلافاصله و به صورت فوری، جزا داده شود، هیچ کس جرأتی برای بروز اراده واقعی و ظهور باطنش نخواهد داشت و با پدید آمدن حالتی شبیه به جبر، اختیار و جسارت هر کس برای انتخاب آزادانه اعمال از بین خواهد رفت و مجال کامل شدن حجت روز جزا فراهم نخواهد آمد. خداوند انسان ها را خلق کرده و زمینه تکامل را بسبب اختیار در وجود آنها قرار داده تا خود در مسیر کمال حرکت کنند، نه این که به مجرد ظلمی، آنها را هلاک نماید و فرصت تکامل را از بین ببرد، چه بسا که در فرض نابودی به محض ظلم، انسانی بر روی زمین باقی نمی ماند، کما اینکه قرآن کریم نیز در آیه ۴۵ سوره فاطر می فرماید: «وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فِإِذَا



جاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا؛ هر گاه خداوند مردم را به کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی [به لطفش] آن‌ها را تا سر آمد معینی تاخیر می‌اندازد [و مهلت می‌دهد تا خود را اصلاح کنند] اما هنگامی که اجل آن‌ها فرا رسد، [خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می‌دهد] که او نسبت به بندگانش بیناست [و از اعمال و نیت همه آگاه است]. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۰۲/۱۸)

علاوه بر این ممکن است برخی ظالمان بالاخره در مراحل بعدی عمر خود توبه کنند و از طریق توبه شرایط جلب رحمت الهی جهت تکامل را فراهم سازند و افراد زیادی از این دسته اند. از مجموع آیات قرآن استفاده می‌شود؛ خداوند افراد گناه کار را در صورتی که زیاد آلوده به گناه نشده باشند، به وسیله زنگ های بیدار باش و عکس العمل های اعمالشان، و یا گاهی به وسیله مجازات های متناسب با اعمالی که از آن‌ها سرزده است، بیدار می‌سازد و به راه حق بازمی‌گرداند. اینها کسانی هستند که هنوز شایستگی هدایت را دارند و مشمول لطف خداوند می‌باشند. (همان، ۱۸۳/۳)

فرصت دادن به ظالم حکمت دارد و به معنی سکوت خداوند در برابر ظلم و بی‌توجهی به مظلوم نیست. اینکه بنا بر مصالحی خداوند به ظالم فرصت می‌دهد تا توبه کند یا اگر توبه نکرد در زمان مشخصی او را مجازات کند و فوراً مجازات نمی‌شود به معنی سکوت خداوند در برابر ظلم نیست و خداوند حق مظلومان را از راه های دیگری جبران می‌کند. چرا که خداوند مدبر بندگان خویش است و از این جهت همانند پدر نسبت به فرزندان خود می‌باشد، همان گونه که دفاع از فرزند و گرفتن حق او از ظالم بر پدر واجب است، دفاع از مظلومان و گرفتن حقوق آنان از ستمگران نیز بر خداوند واجب است. (حلی، ۱۴۱۳، ۳۳۵)

خداوند گاهی به ظالمان فرصت می‌دهد و این امر در واقع زمینه بیشتر و سنگین تر شدن عذاب اخروی آن‌ها را مهیا می‌کند. این همان موضوعی است که در ادبیات دینی به «سنت



استدراج» و «امهال»؛ (مهلت دادن) معروف است. قرآن کریم در آیه ۱۷۸ سوره آل عمران به همین سنت الهی اشاره کرده و می فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» آن‌ها که کافر شدند [و راه طغیان پیش گرفتند] تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم به سودشان است. ما به آنان مهلت می دهیم برای این که بر گناهان خود بیافزایند و برای آن‌ها عذاب خوارکننده ایست. حضرت زینب (س) نیز در شام و در پاسخ به یزید و یزیدیان که از جنایات خود خوشحال بودند به همین آیه استدلال کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۳/۴۵)

در بسیاری از موارد ظالمان و ستم گران در همین دنیا نیز به سزای بخشی از اعمال خود می رسند؛ اما نظام هستی بر این قرار گرفته است که تمام مجازات در این دنیا نباشد، چرا که اساساً، نمی توان در این دنیا تمام مجازات برخی از ظالمان را اجرا نمود. مثلاً فردی که هزاران نفر را به قتل رسانده، چه مجازاتی در این دنیا می توان برایش در نظر گرفت؟ اینکه خداوند جلوی برخی از ظلم ها و شرارت ها را نمی گیرد، به معنای آن نیست که از بی عدالتی ظالمین راضی است یا توان برطرف کردن آن را ندارد، بلکه گاهی ضرورت هایی بالاتر جلوی دخالت مستقیم خداوند در برطرف شدن این امور یا مانع شدن خداوند از تحقق این شرارت ها را می گیرد.

البته بر پایه گزارش های کلام وحی این گونه نیست که مجازات ستمگران فقط به قیامت موکول شده باشد؛ بلکه مستفاد از سوره طور که می فرماید: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ...» (طور/۴۷)، حکایت از آن دارد که بعضی کیفرها در همین دنیا صورت می پذیرد، لذا برخی از ستمگران و طاغیان در همین دنیا نیز مجازات می شوند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۰/۱۴)؛ لکن شدت این مجازات در مقایسه با مجازات فردای قیامت که می فرماید: «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلْوَنِ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سجده/۲۱)؛ به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از



عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید بازگردند! بسیار متفاوت است چون عقوبت و کیفر دنیوی به میزان مجازات آتش وعده داده شده در آخرت نمی‌رسد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱/۱۶۴)؛ اما هر چه هست در این دنیا هم عذاب می‌شوند ولی به دلالتی از این عقوبت و عذاب آگاه نیستند «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (طور/۴۷).

بنابراین مبدا تحول و پیشرفت کافران در صنعت و تکنولوژی موجب فریب مسلمانان گردد چون طبق بیان نورانی قرآن کریم اینها متاع اندک و زودگذر دنیاست و اغترار به اینها دوزخ و عذاب دائمی را به همراه دارد (آل عمران/۱۹۶-۱۹۷) و نیز با اندک تفاوتی گوشزد کرد که اموال و فرزندان کافران، شما را شگفت‌زده نکنند، زیرا اینها وسیله عذاب آنان است؛ نه مایه رفاه و آرامش آنها «فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ». آیات فوق به خوبی شبهه مزبور را دفع می‌کند.

غرض آنکه بر پایه گزارش‌های قرآن کریم انسان‌های ظالم و ستمگر باید این را بدانند که در همین دنیا نیز عذاب الهی به یک‌باره بر آنان نازل شده و به هلاکتشان می‌رساند «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ» (بقره/۵۹)، اما افراد ستمگر، این سخن را که به آن‌ها گفته شده بود، تغییر دادند؛ (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند)؛ لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.

از این آیه کریمه استفاده می‌شود که «اشاعه ظلم منشأ از هم گسیختگی و بی‌بند و باری و خروج از حدود می‌گردد» (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۶۹) و اینکه رابطه محکم بین عمل شرورانه‌ای که از حقیقت منحرف شده با نتایج و پیامدهای نامطلوب و بد وجود دارد چون روابط در جهان بر مبنای سب و مسبب و علت و معلول و یا مقدمه و نتیجه بنا نهاده شده و خداوند متعال در محدوده قوانین طبیعت این اصل را بنا نهاده است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲/۵۲).



بنابراین نتیجه و پیامد ظلم گرفتاری و عذاب دنیوی و اخروی می‌باشد. همچنان که گروه‌ها و اقوام بسیار زیادی را به خاطر بیدادگری و ستمگری و جنایات هولناک و ضد انسانی و بشری‌شان در همین دنیا به اشد مجازات رساند.

به عنوان نمونه خداوند متعال می‌فرماید بنی‌اسرائیل را به خاطر ظلم و ستمی که مرتکب شده بودند در دنیا مجازات کردیم «فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ» (بقره/۵۹) و قوم نوح را به خاطر عملکرد ناشایست و ظلم و ستمی که انجام داده غرق کردیم (هود/۴۴) و زمین را واژگون و سنگ‌های عذاب را به عنوان کیفر بر قوم لوط فرود آوردیم «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ» (هود/۸۲) و همچنین قوم عاد و ثمود و فرعون (فجر/۹-۱۰-۱۱) به شدیدترین نوع ممکن به خاطر ظلم و ستمشان عذاب کردیم.

مثلاً محرومیت از رحمت الهی به نوع خودش بزرگ‌ترین و شدیدترین مجازات و عقوبت است که در سوره نحل آیه ۸۵ و مؤمنون آیه ۴۱ و انسان ۳۱ به آن تصریح شده است و نیز محرومیت از سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام/۲۱) و محرومیت از شفاعت در لحظه جان دادن و فردای قیامت «مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» (غافر/۱۸) و یا محرومیت از محبت الهی «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری/۴۱) که نتیجه و برآیند این نوع از کیفرها در واقع محروم شدن از همه چیز بوده و شقات و خسران ابدی را به همراه دارد، لکن ظلم کنندگان هیچ‌گاه به خاطر معاصی و جنایاتی که مرتکب شده‌اند این نوع از محرومیت‌ها و یا مجازات را به خوبی فهم و درک نمی‌کنند.

در نتیجه می‌توان گفت بسیاری از گرفتاری‌ها، مصیبت‌ها، بلاها و رنج‌ها و همچنین سیل و زلزله و جنگ و درگیری و بیماری‌های صعب‌العلاج و یا ناعلاج ستمگران، مجازات دنیوی اعمال ظالمانه آنان است؛ لکن این را نمی‌دانند و موارد یاد شده را به عوامل طبیعی و دیگران نسبت می‌دهند و حال آنکه اینها آیات و نشانه‌های الهی است تا این جماعت ستمگر دست از



جنایت‌هایشان برداشته، ظلم و ستم را در حق خویش و دیگران ترک کند پس هر ستمگری در دنیا، برزخ و قیامت مجازات شده (انعام/۹۳) و هرگز به حال خود رها نمی‌گردد و اگر در این دنیا فرصتی از جانب الهی برای ستمگران عطا می‌گردد در واقع لطف الهی نسبت به همه مخلوقات و موجودات است که رفتار و عملکرد خویش را اصلاح نموده کاستی‌ها و بدی‌های خویش را جبران نمایند تا بتوانند در مسیر تکامل و تعالی قرار گیرند.

با توجه به آیات ذکر شده و برداشت مفسران می‌توان نتیجه گرفت که مجازات ستمگران در دنیا و برزخ و قیامت قطعی و حتمی است و در واقع و حقیقت امر هیچ‌گونه تأخیر واقعی در عذاب آنان دیده نمی‌شود؛ بلکه به تناسب جرم و جنایتشان عذاب می‌شوند و اگر هم به ظاهر تأخیری ملاحظه می‌شوند به خاطر برداشت سطحی بندگان از نوع مجازات و چگونگی آن است و الا در عالم واقع و نفس الامر عذاب انسان ستمگر مسجل شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه

بر پایه آنچه که بیان شد مشخص گردید که خداوند، مراقب و آگاه به رفتار و عملکرد طغیان کنندگان ستمگر بوده و هیچ راه گریزی از عذاب برای آنان نگذاشته و به صورت ناگهانی و غافلگیرانه آن‌ها را مؤاخذه می‌کند و اگر هم چند روزی به ظالمان و ستمگران مهلت می‌دهد این به معنای رها کردن آنان و یا بی‌توجهی نسبت به رفتار آنان نیست، بلکه با نشستن در کمینگاه گلوی آنان را در دست گرفته و هر وقت که بخواهد می‌فشارد؛ لذا به صراحت می‌فرماید «آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آن‌ها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!»

بی‌تردید فرازمانی و فرامکانی بودن گزاره‌های وحیانی قرآن به صراحت دلالت می‌کند که مخاطب آیات شریفه ذکر شده در متن مقاله ستمگران و گردنکشان عصر نبوی و یا قبل از آن نبوده، بلکه امروز هم مصادق فراوانی دارد. در نتیجه ستمگران عالم باید این را بدانند و به دست ساخته‌ها و امکانات نسبی دنیوی خودشان مغرور نشوند، بلکه متوجه و آگاه باشند که مدبر نظام خلقت در کمین آنان بوده و در صورت یاغی‌گری ساخته و پرداخته آنان را در هم می‌کوبد هم چنان که با گروه‌ها و اقوام پیشین ستمگر و ظالم این چنین برخورد کرده است.

همچنین روشن شد که خداوند یکتای بی‌همتا نسبت به بندگانش روف و مهربان بوده و تا آخرین مرحله مهلت و فرصتشان عطا می‌کند که از خواب غفلت بیدار شوند و هیچ‌گاه آنان را همانند جباران فوراً مجازات نمی‌کند بلکه به خاطر رحمت و اسعه‌ای که دارد نهایت فرصت را عطا می‌کند بلکه برگردند و جبران کنند؛ اما اگر طغیان و سرکشی به آخرین حدش رسید و بقا و ماندگاری‌شان برای جامعه بشری و ملت و مملکت ثمره‌ای جز ظلم و ستم به همراه نداشته



باشد زمین را از لوٹ وجودشان پاک می گرداند و به چنان عذاب دردآور گرفتارشان می کند
فوق تصور و تخیل انسان است.

غرض آنکه ظالم کیفر ستم خودش را خواهد دید یا در دنیا یا برزخ و یا عالم پس از
مرگ چون خدای سبحان در کمین ستمگران است و مسئله مهلت دادن گاهی برای زیادی
گناه و معصیت و گاهی برای توبه و جبران گذشته است.





منابع

- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- آقابخشی، علی اکبر، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۷.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، موسسه انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
- جوادی آملی، تسنیم، قم، اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
- رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین، غیاث اللغات، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
- صدر، محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران، تفاهم، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ه.ش.



طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ.ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، سوم، ۱۴۱۶ هـ.ق
علامه حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، محقق / مصحح: حسن زاده آملی، حسن، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ هـ.ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ.ق.

فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸ هـ.ش.

قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵ هـ.ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الإسلامیة)، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ هـ.ق.
مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱